



۵۴

نگاهی به فعالیت‌های دینی، سیاسی و تبلیغی
 حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی کاهانی
 واعظی که منبرهای محبوب و معروفی دارد

مرد کتاب و منبر



عکس: محمدحسن صلاواتی/شهرآرا

رضا علیزاده، ساکن قدیمی محله امیریه
 تغییرات محله‌اش را مرور می‌کند

گنجینه گلخانه‌ای
 در قلب بافت مسکونی

۶



۲

گزارش میدانی شهرآرامحله از چالش‌های
 تردد عابران در بولوار شهید ابراهیم فخرایی
 میدان موانع در پیاده‌روهای محله تربیت

۷

روایت بالندگی کتابخانه بیت‌الزهراس که از یک اتاق کوچک
 به کانون فرهنگی پرتردد محله صدف تبدیل شد
 گرہ خوردن نیت خیر با کتاب و فرهنگ



گزارش میدانی شهرآرامش از چالش‌های تردد
عابران در بولوار شهید ابراهیم فخرایی

میدان موانع در پیاده‌روهای محله تربیت

فاطمه سیرجانی، مدیرمرد درنگ کوتاهی می‌کند. عصایش را میان موزاییک‌های سست و ناهم سطح پیاده‌رو بولوار شهید ابراهیم فخرایی می‌کارد تا بتواند تعادلش را در این مسیر ناهموار حفظ کند. اینجا دیگر پیاده‌رو نیست؛ میدان موانع است. برای او که عمری زندگی و آمد و شد هایش با این خیابان گره خورده و مسیر هر روزه‌اش به مسجد محله است، تردد حالا به چالشی روزانه تبدیل شده است؛ چالشی با پله‌های بی‌هوا، چاله‌های عمیق و درخت‌هایی که یاتنه خشکشان راه را به روی رهگذران پیاده‌سدر کرده یا ریشه‌شان پیاده‌رو را از جادار آورده است. برای بررسی گلایه‌های کسبه و ساکنان محله تربیت از وضعیت نابسامان پیاده‌روهای این بولوار به میان آن‌ها می‌رویم.



● اختلاف سطح یک متری در پیاده‌رو

محمد زارعی را هنگام برگشت از مسجد محله می‌بینیم. او در حالی که دست به زانو گرفته است و با زحمت از پله‌های وسط پیاده‌رو بالا می‌رود، می‌گوید: شما فقط مسیر چهارراه فرهنگ و شهید فخرایی تا بولوار آموزگار را با من همراه شوید؛ خودتان می‌بینید که وضعیت پیاده‌روهای این بولوار چقدر بد است. راه به راه پله، باغچه و درخت برخورد می‌کنی. این وضعیت در تاریکی شب و اقاعا در دسرساز است، او که بازنشسته ارتش و از اوایل دهه ۶۰ در این محله ساکن است، توضیح می‌دهد: وقتی ما به اینجا آمیم، ساخت و ساز چندانی وجود نداشت و حتی از خود بولوار شهید فخرایی هم خبری نبود. با توسعه ساختمان‌ها، ناهم سطحی پیاده‌روها هر سال بیشتر شد؛ به طوری که در برخی نقاط اختلاف سطح به بیش از یک متر رسیده است و ناچار به ساخت پله شده‌اند. این بزرگ‌ترین مشکل رهگذران، به ویژه سالمندان و زنان باردار برای رفت و آمد از این مسیر است.

● صدای بی‌پاسخ اهالی

زن سالمندی در حالی که گوشه چادر را به دندان گرفته است، به زحمت سبد چرخ‌دار پر از میوه‌اش را می‌کشد. با هر بار رسیدن به اختلاف سطح پیاده‌رو، ناچار می‌ایستد و با نگرانی به اطراف نگاه می‌کند تا کسی به کمکش بیاید. پس از اینکه در جابه‌جایی بار به او کمک می‌کنیم، درباره پیگیری‌ها برای بهسازی پیاده‌روها می‌پرسیم. فروغ یزدان پناه می‌گوید: سال‌های گذشته بارها با ۱۳۷ تماس گرفته ایم. حتی در نشست‌های آقایان شهردار و فرماندار در مسجد چهارده معصوم^(ع) هم این موضوع را مطرح کردیم، اما

دریغ از کوچک‌ترین قدمی که برای مشکلات این محله برداشته شود.

حسین ملایی، از کسبه محل که شاهد گفت‌وگوی ماست، با گلایه می‌گوید: ساختمان معاونت اجرایی شهرداری منطقه ابتدای همین بولوار است. پس مسئولان خودشان بهتر از هر کسی شاهد این وضعیت هستند. چطور است که پیاده‌روهای آن سمت بولوار آموزگار که ساکنان چندانی هم ندارد، درست می‌شود، اما اینجا به حال خودرها شده است؟

● رفع نقاط پرخطر تا پیاده‌روسازی کامل

برای پیگیری این مشکل به سراغ معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۱ می‌رویم. مهدی دانشمند با بیان اینکه رسیدگی به وضعیت پیاده‌روها از اولویت‌های عمرانی منطقه به شمار می‌رود، می‌گوید: در همین راستا، تلاش شده است برای همه پیاده‌روهای باقی‌مانده، طرح و اسناد مورد نیاز تهیه شود تا متناسب با اعتبارات تقویمی، پیمانکار انتخاب شود.

وی ادامه می‌دهد: هم‌اکنون پیاده‌روسازی در بولوار جلال آل احمد و بولوار سیدرضی در حال اجراست. درباره بولوار شهید فخرایی نیز اولویت اصلی، بازگشایی مسیر به بولوار وکیل آباد بود که سال گذشته محقق شد. پروژه پیاده‌روسازی این بولوار نیز در برنامه کاری قرار دارد و در مرحله انتخاب مشاور برای تهیه طرح و اسناد است. پس از این مرحله، اعتبار مورد نیاز درخواست می‌شود و فرایند انتخاب پیمانکار آغاز خواهد شد.

دانشمند در پایان بیان کرد: درباره موارد خطرناک مطرح‌شده، تا زمان شروع فعالیت اصلی، از طریق اعتبارات عمرانی، اقدامات لازم برای ایمن‌سازی بیشتر انجام خواهد شد.

سیرجانی، مدیر بوستان ملت در گفت‌وگو با شهرآرامش از تکمیل پروژه مهم ورزشی این بوستان خبر داد. محسن سالار پیشه گفت: پروژه احداث زمین چمن مصنوعی اختصاصی بانوان در بوستان ملت تکمیل شده است و به زودی آماده بهره‌برداری خواهد شد.

او در ادامه گفت: این مجموعه فقط یک زمین ورزشی نیست، بلکه به عنوان بزرگ‌ترین زمین چمن مصنوعی اختصاصی بانوان در شرق کشور و نخستین زمین چمن استاندارد فوتبال ویژه بانوان در مشهد، یکی از پروژه‌های مهم مدیریت شهری در حوزه توسعه زیرساخت‌های ورزشی این قشر از جامعه محسوب می‌شود.

مدیر بوستان ملت با اشاره به ابعاد فنی پروژه توضیح داد: مادر حال ایجاد فضایی هستیم که استانداردهای لازم برای برگزاری رقابت‌های سطح بالا را داشته باشد. این پروژه با اعتبار ۲۵۰ میلیاردی اجرا شده و در آن ۸ هزار و ۴۵۰ متر مربع چمن مصنوعی با کیفیت پهن شده است.

سالار پیشه در پایان هدف از اجرای این پروژه را فراهم کردن بستری امن و استاندارد برای دختران و بانوان مشغول به ورزش دانست و افزود: این اقدام به شکوفایی استعدادهای خودپیرازند.



مدیر بوستان ملت
از تکمیل پروژه چمن مصنوعی
در پارک قدیمی شهر خبر داد

مهای رقابت و پیشرفت بانوان

مأموریت نجات درختان آسیب‌دیده در منطقه ۱۱

نیروهای اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۱۱ در هفته‌های گذشته مأموریت نجات درختان آسیب‌دیده را آغاز کرده‌اند. به این ترتیب، به حدود ۱۴۰ درخت که بر اثر تنش آبی سال‌های اخیر وضعیت مطلوبی ندارند، به طور ویژه رسیدگی می‌شود. آبیاری هدفمند و آبیاری مستمر توسط باغبانان تا آخر تابستان انجام خواهد شد.



فصل شیرین برداشت از پارک برکت

کشاورزان شهری بوستان برکت، پس از چند ماه کاشت بذور و رسیدگی به باغچه‌های خود، به فصل شیرین برداشت محصول رسیده‌اند. این روزها حدود صد شهروند که قطعاتی را در بوستان برکت در اختیار دارند، برداشت صیفی جات و سبزی‌ها را از این مجموعه آغاز کرده‌اند. گوجه، کدو، بامجان، خیار، فلفل دلمه و سبزی از جمله محصولات تولیدی کشاورزان است.

بانوان فوتسالیست منطقه ۱۱، در گود رقابت

مسابقات فوتسال بانوان منطقه ۱۱، از سری رقابت‌های هفدهمین المپیاد ورزشی محلات مشهد در منطقه ۱۱، آغاز شد. در این دوره از رقابت‌ها ۳۲ تیم در دره بزرگ سالان حاضر هستند و باید یکدیگر را در رقابت می‌کنند. این رقابت‌ها در سالن ورزشی مادر و کودک برگزار می‌شود و تا پایان مرداد به اتمام می‌رسد.

همسایه به همسایه، دیدار هجدهم، شاهنامه ۴۱

کار همسایه کار من است

حسین برادران فرا وقتی صحبت از همسایه های خوب می شود، پیدا کردن آدم هایی از این جنس در بولوار شاهنامه کار سختی نیست: آدم هایی که محبتشان به ساکنان خانه های اطراف می رسد؛ مثل اهالی شاهنامه ۴۱. خیلی از همسایه ها بایکدیگر در همین کوچه بزرگ شده اند و از بازی در زمین های خاکی گرفته تا ساخت خانه برای زندگی و... در کنار هم بوده اند. اینجا وقتی در میان همسایه های خوب سراغ افراد را می گیریم، نام قاسم تشکری به دلیل کسوتش بیشتر تکرار می شود.

● ○ محبتی ماندگار در ذهن همسایه ها

ریشه همسایه داری اصیل اهالی شاهنامه ۴۱ را باید در قدیمی بودن نشان یافت؛ مانند اسماعیل تشکری که همه ۶۵ بهار عمرش را در این گوشه از شهر گذرانده و در خاطر همه همسایه هایش، مهربانی و محبت های او ثبت شده است.

همسایه های آقا اسماعیل که برخی با او قوم و خویش هستند، او را یاریگر همیشگی دیگران می دانند؛ دوست و قوم و خویش و همسایه هم فرقی نمی کند. آقا اسماعیل سال ها به واسطه اینکه وسیله نقلیه ای داشته، بردن بچه های همسایه به مدرسه و آوردنشان از آنجا را عهده دار بوده و این در ذهن همسایه ها ماندگار است.

آقا اسماعیل می گوید: اینجا محدوده ای کوچک است و بیشتر ما با هم قوم و خویش هستیم. در همه این سال ها صبح تا شب هم رادیده ایم و این باعث شده است صمیمیت ما با یکدیگر بیشتر شود. حتی کسانی که از من قدیمی تر هستند، ریشه این محبت ها را در طولانی بودن روابط می بینند.



همسایه
به
همسایه

۱۲

● ○ کار با کیفیت برای همسایه ها

حالا که در گفت و گو با اسماعیل تشکری، حسن رفتار او با همسایه ها را مرور کرده ایم، می رسم به اینکه یک همسایه خوب را به ما معرفی کند و او بی درنگ نام برات باقری را می آورد. آقا اسماعیل درباره این همسایه مهربان می گوید: آقابران از انجام کار فنی و کمک رساندن به همسایه ها دریغ نمی کند.

او ادامه می دهد: ایشان به واسطه شغلش که گچ کاری بود، برای همه اهالی کوچه کار کرده است و همه اتفاق نظر داشتند که ایشان با همه همسایه ها به طریقی تعامل می کند.

آقابران می گوید: کار من در این سال ها گچ کاری بوده است. از همان شروع کارم همیشه به این فکر کرده ام که کار با کیفیت انجام دهم.

او می گوید: در کنار گچ کاری، هر گیر و گرفت و مشکل ساختمانی در ساخت و سازشان بوده است، بدون مزد و اجرت کمکشان کرده ام که برطرف شود.

● ○ همه با هم رشد کردیم

محمد رضا جاوید، دیگر همسایه ساکن این کوچه که کم سن و سال تر از دو همسایه دیگر است، بهترین خاطرات خود را در همراهی با همین همسایه های شاهنامه ۴۱ می داند.

آقابران درباره همسایه جوانش می گوید: صمیمیت این محله و کوچه سبب شده است نسل بعدی هم آن پیوند دلی را با بزرگ ترها و هم سن های خود داشته باشند.

او ادامه می دهد: آقا محمد رضا جزو آدم هایی است که در برگزاری مراسم ها خیرش به بقیه همسایه ها می رسد. به جز تعدادی جوان دیگر در این کوچه هستند که در برپایی عزاداری محرم و صفر برای امور اجرایی باریک محله راه دوش می کشند.

محمد رضا جاوید در این گفت و گو از دوستی های ارزشمندی یاد می کند که به واسطه همسایه داری شکل گرفته است و می گوید: اولین رفاقت های ما در مدرسه و محله با همین بچه های همسایه بوده است. زندگی صمیمی بزرگ ترهای مادر کنار یکدیگر باعث شد در کنار هم پیشرفت کنیم و برای هم مثل برادر باشیم و کار کوچه و محله را کار خودمان بدانیم.



چهره متفاوت برای ورودی غربی شهر

شهرداری منطقه ۱۲ پروژه بهسازی فضای پیرامونی پل غیرهم سطح حاج قربان را آغاز کرده است. برای سامان دهی این محدوده بیش از ۷۰ میلیارد ریال اعتبار پیش بینی شده است تا به این ترتیب به زیباسازی ورودی غربی شهر کمک شود. در پایان این طرح، اطراف پل با فضای سبز، نورپردازی و نصب مبلمان شهری، چهره ای متفاوت خواهد داشت.

شهر خبر

۱۲

گذران ایام فراغت در مساجد توس

با پشتیبانی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۲ و همکاری گروه های جهادی توس، کلاس های مختلف فرهنگی ورزشی برای بچه ها تدارک دیده شده است. این برنامه ریزی با هدف غنی سازی ایام فراغت تابستان، در ۹ مسجد محدود اجرا می شده است و کودکان و نوجوانان این فرصت را دارند که از این کلاس ها بهره مند شوند.

تابستانی دیگر با شاهنامه

رویداد فرهنگی و آموزشی ویژه کودکان و نوجوانان توس در آرامگاه فردوسی آغاز شد. این برنامه در دومین سال پیاپی با عنوان «یک تابستان با شاهنامه» برگزار می شود. برای آموزش شاهنامه خوانی، نقالی و داستان گویی شاهنامه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آرامگاه هر روزه جزو شنبه ها از ساعت ۱۰ تا ۱۲ میزبان بچه های توس خواهد بود.

مسابقات والیبال محله جاهد شهر

علاقه مندان به این رشته را دور هم جمع کرده است

جمعه ها، رقابت هیجان انگیز توپ و تور

مهلا آموزگار (خبرنگار افتخاری) ۱ هفدهمین

دوره مسابقات والیبال محله جاهد شهر با برگزاری مسابقاتی پر هیجان در مجموعه ورزشی بوستان نیایش در حال برگزاری است. این رقابت ها که حالا بخشی از هویت محله جاهد شهر شده است، هر سال آقایان علاقه مند به والیبال را پای تور دور هم جمع می کند. در مسابقات امسال هم تیم های بوستان، صدر، سپهر، سینا، حسام و جاهد حاضر شده اند و از دو هفته پیش رقابت خود را آغاز کرده اند.

وحید حاتمی، عضو شورای اجتماعی محله و مسئول برگزاری این رقابت، می گوید: هدف از برگزاری این رویداد ورزشی ترویج ورزش همگانی، افزایش نشاط اجتماعی و کشف استعداد های محلی است. حدود چهل ورزشکار در این رقابت که روزهای جمعه برقرار است، مشارکت کرده اند. تیم های برتر این مسابقات دو هفته دیگر مشخص خواهند شد.



نگاهی به فعالیت‌های دینی، سیاسی و تبلیغی حجت‌الاسلام والمسلمین موسوی کاهانی
واعظی که منبرهای محبوب و معروفی دارد

مرد کتاب و منبر

سید مصطفی بهشتی از گشودن در خانه و اولین سلام تا استقبال کردن و کلامش، همه رنگ و بوی صمیمیت دارد. چنان سریع وارد رفاقت می‌شود که اختلاف سن چهل ساله مان به چشم نمی‌آید. نمی‌دانم در کدام هیئت و حسینیه یا شاید حرم مطهر پای منبرش نشسته‌ام، اما یقین دارم اولین بار نیست که چهره این روحانی شهر را می‌بینم. هم چهره‌اش به چشمم آشناست و هم صدایش در گوشم.

شاید خیلی از مردم این شهر مانند من حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل موسوی کاهانی را بشناسند. زیرا او در خیلی از هیئت‌ها و تکایا و حتی خانه‌های مشهد الرضا^(ع) روضه امام حسین^(ع) را خوانده است. او واعظ محبوبی از محله دانش‌آموز است که بیشترین مستمع را پای منبر خودش می‌کشد و صدایش در هشتمین دهه از حیاتش غراست.

مجمع خطبای خراسان رضوی در سال ۱۴۰۴ حاج آقا موسوی را به عنوان یکی از هشت روحانی برجسته قدیمی استان شایسته تقدیر دانست و این پاسخی بود به سال‌ها زحمات مردی که منبر ائمه اطهار^(ع) را با هیچ موقعیتی عوض نکرد.



دوست دارم مستمع، چیزی یاد بگیرد

حاج آقا بیش از پنجاه سال است منبری می‌رود؛ از تکیه کرمانی ها گرفته تا مهدیه مشهد، مکتب الرضا^(ع)، هیئت بنی فاطمه^(س)، بیت الصادق^(ع)، مسجد گوهرشاد در حرم مطهر و... حتی در شهرهای دیگر از تهران گرفته تا اهدان، اصفهان و حتی کشورهای سوریه و کویت و عراق. خلاصه که خدا به واسطه ارادت این روحانی به ائمه اطهار^(ع)، صدای گرم و گفتاری صمیمی به او داده است که هر کس پای روضه‌ها و سخنرانی‌هایش می‌نشیند، شیوه و گفتار او را می‌پسندد. به همین واسطه است که در دهه اول محرم و آخر صفر یا شب‌های ماه مبارک رمضان، هر جا منبری قبول می‌کند، از شب سوم به بعد در مجلسش جای برای نشستن نیست. یا اینکه آن چنان مخاطبانی دارد که از این مجلس به آن مجلس همراهش می‌شوند تا پای منبرش بنشینند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل موسوی کاهانی در وصف روضه‌هایش می‌گوید: البته من که نباید از خودم تعریف کنم، اما درباره شیوه سخنرانی‌ام می‌توانم صحبت کنم. در منبر رفتن لزوماً دنبال روضه خواندن و در آوردن اشک مردم نیست. دوست دارم کسی که وقت می‌گذارد و می‌آید پای روضه‌ها می‌نشیند، چهار تا مطلب در باب اخلاق، زهد، معرفت و... هم یاد بگیرد.

حاج آقا با خنده می‌گوید: «چیزی نمی‌گویم که مردم بگویند دروغ می‌گوید» و ادامه می‌دهد: در منبرم بدون منبع و سند حرفی نمی‌زنم. یعنی اگر قرار است روایتی یا حدیثی بیاورم، سند و منبعش را می‌آورم که پامنبری بدانند روی هوا حرف نمی‌زنم.

منبر برای شما واجب‌تر از درس است

منبر رفتن حاج سید ابوالفضل موسوی رانه تنها اقشار مختلف مردم، که بسیاری از روحانیان بنام مشهد و کشور می‌پسندند؛ در این سال‌ها چندین نفر از روحانیون و مراجع بنام مشهد، منبریوت و خانه خود را به او می‌سپارند؛ از دفتر آیت‌ا... صافی گلپایگانی گرفته تا بیت شیخ جواد تهرانی، دفتر آیت‌ا... عبدا... شیرازی، آیت‌ا... فاضل لنکرانی و... در این بین افرادی هم به او توصیه‌های ویژه‌ای کرده‌اند. اصل یکی از دلایل اصلی تمرکز روحانی خوش ذوق شهرمان بر منبر هم همین توصیه‌ها بوده است. او تعریف می‌کند: پس از انقلاب در جاهایی منبر رفتم که آدم‌های بزرگی پای منبرم می‌نشستند و توصیه می‌کردند این مسیر را ادامه دهیم. آیت‌ا... ابوالحسن شیرازی به من توصیه کردند برای شما منبر رفتن واجب‌تر از ادامه درس است، چون بیان تأثیرگذار است. آیت‌ا... کاظم مرعشی هم توصیه کردند به هیچ قیمتی از منبر فاصله نگیرم. بعد تر آیت‌ا... سید عزالدین زنجانی فرمودند: «کم آخوند منبری ای هست که در سن شما این صدا و جذبه را داشته باشد».

تحت تعقیب ساواک و منافقین، قبل و بعد از انقلاب

مادر یکی از روزهای ماه صفر مهمان خانه حاج آقا شده‌ایم؛ در حالی که به تازگی از سفر اربعین برگشته است. او را تا چند سال پیش در این ایام نمی‌شد در خانه دید. پشت سر هم برایش منبر چیده می‌شد. اما حالا بیشتر در جمع روحانیان جوان از تجربیاتش می‌گوید. لایه‌ای این حرف‌ها گریزی می‌زنیم به گذشته‌ها. حاج آقا موسوی که در جوانی، هم انقلابی بوده و هم با آدم‌های معروف انقلاب حشر و نشر داشته، سخنرانی‌های شهید هاشمی نژاد را بسیار دوست داشته و پای منبر ایشان می‌رفته است.

او در ادامه درباره خاطرات قبل و بعد انقلاب می‌گوید: پیش از انقلاب تحت تعقیب ساواک بودم و پس از انقلاب هم منافقین تهدید می‌کردند. به لطف خانواده و دوستان چند باری از دست ساواک گریختم. پس از انقلاب هم در مشهد و چنان‌که در جلسات سیاسی و معرفتی بانمایندگی منافقین بحث علمی کرده بودم که چون در مباحثه مغلوب شده بودند، به دنبال حذفم بودند. یک بار در جاده مشهد به چنان‌که دنبال این بودند که من را بکشند، اما جان سالم به در بردم و از ادامه مبارزه دلسرد نشدم. پس از مدتی برای ادامه تحصیل همراه چند نفر از طلاب مشهدی، وسایل را جمع کردم و چند سالی به قم رفتم. درس را تا خارج اصول و خارج فقه ادامه دادم و در سال ۱۳۶۳ به مشهد برگشتم.



سهم علم را از کتاب هایم برداشتم

از پامنبری های پر شمار حاج آقاموسوی گفتیم: پامنبری هایی که به دلیل لحن خوش، صمیمی بودن و علم او پای صحبت هایش می نشینند. اما ریشه این علم کجاست؟ معلومات زیاد این روحانی قدیمی از مطالعات بسیار و تورق کتاب های پر شمار علمی و تخصصی می آید. خودش تعریف می کند: کتابخانه ام بیشتر از ۱۰ هزار جلد کتاب داشت. من هم توان نگهداری همه آن ها را نداشتم. تا توانسته بودم، آن ها را مطالعه کردم. به توصیه خانواده تصمیم گرفتم آن ها را به مساجد و کتابخانه ها اهدا کنم. آمدند و چندین وانت بار کتاب بردند. خیلی آدم ها با فرزندانش تماس می گرفتند که در میان این ها، کتاب های باارزشی است، مطمئنید که نمی خواهید؟! می گفتم اهدا کرده ام دیگر، سهم علم را برداشته ام. شما هر طور می خواهید، استفاده کنید.

علم آخوند منبری نباید از جامعه عقب باشد

بیش از پنج دهه منبر رفتن در گوشه و کنار شهر و نقاط مختلف کشور، خاطرات و حس و حال های متفاوتی را به این روحانی دینی داده است. حاج آقاموسوی که همیشه با خواندن دو رکعت نماز راهی منبری می شود، معتقد است منبر، تربیون ابلاغ پیام پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است و باید در این زمینه صاف و صادق باشد. او در این زمانه به روز بودن روحانی منبری را یک ضرورت می داند و معتقد است اگر علم آخوند منبری از جامعه عقب باشد، روی منبر در برابر سؤالات مردم بی پاسخ می ماند. او یک خاطره از مواجهه با پامنبری ها برای ماتعریف می کند: حدود چهل سال پیش جایی منبر رفته بودم و در باره سادگی یکی از مسئولان نظام صحبت می کردم. جوان بودم و می خواستم حرف هایم خیلی تأثیر گذار باشد. گفتم فلانی همیشه نان و پنیر می خورد. یکی از بین جمعیت گفت: «حاج آقا این چه حرفی است؟! طرف اگر همیشه نان و پنیر بخورد که می میرد! حتماً مثل ما آب گوشت هم می خورد.» جمعیت خندید و ما هم دیدیم راست می گوید. گفتم بله، درست است.

دیدار بارهبر شهید در خانه کوچه فریدون

حجت الاسلام والمسلمین موسوی که در دهه های ۷۰ و ۸۰ به واسطه دیدار کارگزاران حج بارهبر شهید انقلاب اسلامی، زیاد به زیارت امام شهید امت رفته است، برای یادآوری خاطراتش می رود به پیش از انقلاب و تعریف می کند: در همان دهه های ۴۰ و ۵۰ در خیابان دانش که امروز به نام آیت... مصباح است، مسجدی به نام امام حسن مجتبی (ع) بود. در روزهای جمعه حضرت آیت... خامنه ای امام جماعت نماز ظهر و عصر بودند و بعد هم تفسیر قرآن و سخنرانی داشتند. من پای آن منبری می نشستم و صحبت های ایشان برایم جالب بود. چند باری آخر جلسه آقای خامنه ای ما رو حانیان را کنار کشیدند و گفتند این آبدارچی مسجد با ساواک همکاری دارد، مواظب باشید. ملاقات بارهبر شهید انقلاب اسلامی در خانه ایشان و گفت و گویی صمیمی، خاطره دیگری است که در ذهن حاج آقاموسوی ماندگار است. او تعریف می کند: در ماه های آخر حکومت پهلوی، آقای خامنه ای از تبعید ایرانشهر برگشته بودند. من و حاج آقا عبد اللهیهان که الان صاحب بنیاد معارف امام رضا (ع) در قم هستند، به دیدار ایشان در خانه شان در کوچه فریدون رفتیم. پس از احوال پرسی و گفت و گوی صمیمی، ایشان به من توصیه کردند: «شما قرائت زیبایی از قرآن دارید. به نظرم در منبر ابتدا چند آیه از قرآن بخوانید تا سکوت در مجلس حاکم شود و بعد صحبت را شروع کنید.»

روزی ام را از اهل بیت (ع) می گیرم

سید جعفر کشمیری، بنیان گذار جلسات قرآن و خیریه مکتب جعفری در خیابان طبرسی، از دوران پیش از انقلاب با حاج آقاموسوی آشناست. او می گوید: آقا سید ابوالفضل در جلسات قرآن بیت الصادق (ع) شرکت می کرد و از جوان های مبارز و انقلابی بود. خیلی تروفرز بود و کارهایی را که سرعت عمل می خواست، به او می سپردیم. در پخش اعلامیه و رساندن نامه های مهم به اشخاص خبره بود. خیلی وقت ها هم ساواک به دنبالش بود و بارها از روی پشت بام و پنجره بیت الصادق (ع) و خانه های اطراف او افراری می دادیم. کشمیری که هنوز رفاقت دیرینه اش را با حاج آقاموسوی حفظ کرده است، می گوید: وجود ایشان در زندگی ما ارزشمند است و هر جامنبری می رود، روضه و کلامش نمک دیگری دارد که به جلسه وزن می دهد. حجت الاسلام والمسلمین سید جواد خرم، مسئول کانون فرهنگی مسجد امام جعفر صادق (ع) محله آب و برق، یکی از طلابی است که در حوزه مشهد هم دوره حاج آقاموسوی بوده است. او می گوید: مادر کنار درس حوزه، مبارزاتمان را هم دنبال می کردیم. افرادی مانند سید ابوالفضل، هم در شان خوب بود و هم سرنترسی داشتند. خرم به روحیه آزاداندیشی و وارستگی دوست دیرینه اش اشاره می کند و ادامه می دهد: یادم هست به ایشان شغل های مختلفی پیشنهاد می شد، اما احتی سمات های بالاتر حد قضاوت را قبول نمی کردم و می گفتم: «فرقی ندارد کجا مشغول به کار شوی؛ گاهی مجبور می شوی به خاطر مصلحت آن سازمان یا نهاد از اعتقاداتت بگذری. من می خواهم روزی ام را از اهل بیت (ع) و روضه آن ها بگیرم.»

به عدد و رقم کار ندارم

بذله گویی و صمیمیتی که حاج آقاموسوی در همین دیدار اولمان نشان می دهد، ما را متوجه این نکته می کند که انرژی مثبت این مرد در هفتاد و سومین بهار عمرش ریشه اصلی حضور پر شمار مستمعان در منبرهایش است. او که خوردن یک لیوان چای را لازمه ادامه صحبت می داند، پس از صرف چای در باب برکت روضه خوانی برای ائمه اطهار (ع) می گوید: اولین منبری که رفتم، پیش از انقلاب در روستای سیدآباد چناران و در مؤسسه ای متعلق به آیت... میلانی بود. اولین پولی هم که بابت منبر رفتن گرفتم، فکر می کنم یک پنج تومانی در همان سال هابود. من کاری به این حرف ها ندارم که مد شده است و می گویند طرف کلی پول و پاکت می گیرد. من هیچ وقت برای منبرم نرخ تعیین نکردم. شیخ عباس حجتی که واعظ بنامی بود، در دوران جوانی ام توصیه کرد اصلاً پول منبر را نشمرید. من هم تا سال ها هر کسی به من پاکتی می داد یا پولی در جیبم می گذاشت، نمی شمردم. می آوردم خانه و همه را با هم قاطی می کردم که ندانم چه کسی چقدر پول داده است. الان هم همانم. باید وقت و حوصله و توانم جور در بیاید که منبر بروم. به عدد و رقم کار ندارم.

مدرسه علمیه به جای هنرستان

او که واعظ طرف داری در شهر است، اصلاً قرار نبوده روحانی باشد. دانش آموز رشته مکانیک هنرستان معروف شهید بهشتی در میدان تقی آباد بود که تصمیم گرفت پی علاقه اش برود. دوماه مانده بود دیپلم بگیرد که به جای هنرستان سر از مدرسه علمیه درآورد. حجت الاسلام والمسلمین موسوی کاهانی می گوید: پدرم با اینکه قاری قرآن بود و صدای خوبی داشت، موافق نبود که به حوزه بروم. نگاهش این بود که سریع دیپلم بگیرم و بروم پی استخدامی و شغلی که درآمد داشته باشد. او ادامه می دهد: وقتی اوضاع را این طوری دیدم، از طریق حاج آقای عابدزاده معروف که مهدیه ای داشتند، از مرجعیت بنام نجف، آیت... سید محمود شاهرودی که از ایشان هم تقلید می کردم، استفتاء کردم. ایشان پاسخ داده بودند در این کار رضایت پدر شرط نیست و من رفتم دنبال روحانیت. در مدرسه علمیه آقای موسوی نژاد درس می خواندم و همان جامی خوابیدم. در کنارش جلسات بزرگ قرآن را هم به صورت جدی دنبال می کردم. جلساتی که رهبر شهید، آیت... دهشت و آیت... مروارید از افراد حاضر در آن بودند. یک سالی هم می رفتم منزل حاج آقا و اله که از روحانیان بنام بودند. بعد که معمم شدم، رفتم خانه و پدرم وقتی دیدند مسیرم را با علاقه و جدیت دنبال کرده ام، با انتخاب من کنار آمدند.

صمیمی ترین سفر

واعظ منبرهای شلوغ شهرمان سی سال فرصت این راداشت تا به عنوان روحانی کاروان راهی سفرهای حج و عتبات عالیات شود. او در این مدت بیش از پنجاه سفر عمره، بیست سفر حج تمتع و بارها سفر به اماکن زیارتی سوریه و عتبات عالیات را تجربه کرده است. او می گوید: به نظر من یکی از سفرهای پذیرفته و صمیمی، همین پیاده روی اربعین است. چند باری نصیبم شده است. منبر رفتن در این مسیر، خاص است. برای حاج آقاموسوی منبر رفتن در مدینه بهترین حس راداشته است. زیرا فکر می کند خودش و مخاطباتش در این سرزمین به اوج معنویت می رسیدند. روحانی روایت ما روضه حضرت زهرا (ص) را بیش از همه روایت های دینی اش دوست دارد و معتقد است مخاطب هم با آن بیشتر همراه می شود. خودش هم هرجای زندگی کم آورده، به مادرش، حضرت زهرا (ص)، متوسل شده است.





رضا علیزاده، ساکن قدیمی محله امیریه، تغییرات محله اش را مرور می کند

گنجینه گلخانه ای در قلب بافت مسکونی

کارگاه های صنعتی خیابان های علویه، کاظمیه و رضویه بناهای قدیمی محله ماهستند. من دستان شکل گیری بسیاری از زمین های کشاورزی و مجتمع های صنعتی این محدوده را از کارگران این مجموعه ها شنیده ام و می دانم جای همین کارگاه ها هم تاسه چهار دهه قبل زمین گندم و جو بوده است.



ایستگاه اول

حسین برادران فرا پانزده سال پیش تصمیم گرفت همراه خانواده راهی یک منطقه نوساز شهری شود. به این واسطه، رضا علیزاده از محله امیریه سردرآورد. ابتدا غربت این محدوده و دوری از شهر باب میلش نبود. اما هرچه ماند، مصمم تر شد تا خودش یکی از آدم هایی باشد که برای آبادی محله اش تلاش می کند.

او در همه این سال ها همسایه یک محدوده صنعتی بوده و تلاش کرده است که به بهبود وضعیت مسکونی محل زندگی اش کمک کند. همین تکاپو خاطراتی را در ذهن رضا علیزاده ماندگار کرده است.

مسجد حضرت زهرا (س) تنها مسجد خیابان های علویه و کاظمیه است. با توجه به کمبود های زیاد عمرانی و خدماتی محله مان، پس از ساخت مسجد، پیشنهاد راه اندازی جلسات مردمی با مسئولان در این فضا را دادم و هنوز هم هر چند ماه یک بار این برنامه تکرار می شود و نتایج خوبی برای مردم دارد.

ایستگاه دوم



ایستگاه سوم

ایستگاه چهارم

این فضای سبز خیابان امیریه، تقریباً هیچ امکانات رفاهی ای ندارد. با این حال نقطه عطف خاطرات مادر این محله است. از همان ابتدا که اینجا ساکن شدیم، رفت و آمد در این فضا برای خانواده ما شد یک تفریح. این فضا وقتی برف می آید، مثل یک جنگل زیبای سفید پوش است.



ایستگاه پنجم

خیابان جلو مرکز معاینه فنی به نام بولوار رضویه که در حال احداث است، تا همین پارسال وضعیت جالبی نداشت. الان هر روز در اینجا کار عمرانی می شود. این مسیر پرمی شد از سگ های کارگاه های صنعتی که اینجا با هم دعوا می افتادند. بعضی بچه ها برای سگ ها آب و غذای آوردند و جماعتی هم می ایستادند و تماشا می کردند.



ایستگاه ششم

این ساختمان نیمه ساز در خیابان علویه قرار است مدرسه ابتدایی باشد. از زمانی که اینجا ساکن شدم و فهمیدم خیلی از بچه ها برای رفتن به مدرسه مسیر طولانی ای را طی می کنند، باقیه اهالی همدل شدیم که این کمبود را برطرف کنیم تا نسل های بعدی اذیت نشوند. خوشبختانه کار دارد به نتیجه می رسد.

پیش از آغاز سکونت در امیریه، هنرستان کشاورزی در خیابان کاظمیه ساخته شده بود. ما به واسطه معرفی همسایه ها فهمیدیم که محصولات ارگانیک این مجموعه جذاب ترین خصوصیت این محدوده شهری است. واقعا مزه صیفی جات این مدرسه با محصولات مغازه ها متفاوت بود و هنوز خوش مزگی آن زیر زبان اهالی قدیمی حس می شود.





روایت بالندگی کتابخانه بیت الزهرا^(س) که از یک اتاق کوچک به کانون فرهنگی پرتدد محله صدف تبدیل شد

گره خوردن نیت خیر با کتاب و فرهنگ

● سکوت پرمعنا

در سالن مطالعه، تنها صدایی که سکوت را می شکند، صدای آرام ورق خوردن کتاب هاست. فخر السادات ناصری بانویی است که در این سکوت مشغول نظم دادن به قفسه هاست. او می گوید: من حدود یک سال است که در این کتابخانه مشغول خدمت به علاقه مندان به کتاب و کتاب خوانی هستم. موضوعی که برای من جالب است، استقبال پرشور دختران و نوجوانان محله از جلسات گفتمان با حضور اساتید است.

ناصری با اشاره به برپایی گعده های دخترانه با اساتید دعوت شده، می گوید: این نشست ها با موضوعاتی چون معرفی کتاب، پاسخ به شبهات دینی و مذهبی، نقد و بررسی بعضی کتاب ها، معرفی کتاب به شیوه حضوری، پادکست و پخش فیلم است که با استقبال بسیار خوب نوجوانان همراه می شود.

وجود مهدالقرآن در یکی از طبقات به مادران جوان فرصتی داده است تا در فاصله برگزاری کلاس های فرزندانشان از فضای کتابخانه بهره مند شوند. سیده مهسا نقرگی مادری است که از محله امام هادی^(ع) به اینجا می آید. او می گوید: وقتی دخترم در مهدالقرآن این مجموعه است، به طبقه بالا می آیم تا وقتم بیهوده نگذرد و چند صفحه کتاب مطالعه کرده باشم.

این مادر جوان ادامه می دهد: تنوع کتاب ها و محیط امن و آرام بخش اینجا چنان جاذبه ای دارد که حتی در روزهایی که فرزندم کلاس ندارد، دلم می خواهد به اینجا بیایم تا از آرامش آن لذت ببرم.

مسئول کتابخانه بیت الزهرا^(س) در ادامه از بازسازی این ملک می گوید و تبدیل آن به یک ساختمان شش طبقه با کاربری فرهنگی که تحولی بزرگ برای خیابان صدف به شمار می رود: اوایل کار، فقط یک بوفه قدیمی برای نگهداری کتاب ها داشتیم و چند میز و صندلی ساده، اما استقبال اهالی محله و محلات اطراف چنان بود که به سرعت نیاز به قفسه ها و سالن مطالعه احساس شد. از کتاب های چاپی گرفته تا بانک مواردی مانند کاست، سی دی و فلش مموری، همگی برای خدمت به متقاضیان فراهم شد. او همچنین از نذر کتاب برای این کتابخانه می گوید و یاد می کند از یک هم محله ای به نام مرحوم علیزاده که به واسطه آمد و شد همسرش به این کتابخانه و مجموعه فرهنگی، تصمیم می گیرد بعد از فوتش همه کتاب هایش به کتابخانه بیت الزهرا^(س) اهدا شود.



فاطمه سیرجانی ادرمیان هیاهوی شهری، در گوشه ای از محله صدف، گویی زمان با گام هایی آرام تر حرکت می کند: جایی که شش سال پیش، طبقه دوم یک ملک وقفی، نه تنها با آجر و سیمان، بلکه با اندیشه کمک به نسل فردا و نیت خیر بنا شد. کتابخانه بیت الزهرا^(س)، سالنی است که با حدود ۱۵۰۰ جلد کتاب راه اندازی شده و امروز به پایگاه دانایی برای بیش از پانصد بانوی مشتاق کتاب تبدیل شده است.

● وقف فرهنگی خاندان شریف الحسینی

بارسیدن به کوچه صدف ۱۷، در بین چند خانه ابتدایی سمت راست، نمای ساختمان چند طبقه با پنجره هایی از رهبر شهید، توجه هر رهگذری را به خود جلب می کند. تابلو بیت الزهرا^(س) بر سردر ساختمان، نشان از رسیدن به مقصدی است که فراتر از یک بنای معمولی، یک مرکز فرهنگی تربیتی است.

راضیه جزایری، یکی از ساکنان قدیمی محله و مسئول کتابخانه، از روزهای نخست این مسیر می گوید. او که از آغازین روزهای فعالیت این مجموعه خادم افتخاری آن بوده است، خاطرات را این چنین مرور می کند: حدود پانزده سال پیش، خانواده شریف الحسینی خانه مسکونی خود را به فعالیت های فرهنگی اختصاص دادند. کتابخانه آن روزها یک اتاق بود با حدود ۱۵۰ جلد کتاب که تنها کتابخانه محله بود. اما همان کتابخانه کوچک با توجه به نبود فضای رسانه ای امروز و دسترسی به منابع اطلاعاتی، بسیار مورد توجه دختران نوجوان و جوان محله قرار گرفت.

نوجوان رزمی کار محله امیریه در رقابت های زیادی مدال درو کرده است

صبوری، رمز عبور از نقره به طلا

امید محله

● فکر می کنی چه ویژگی ای در وجودت باعث موفقیت شده است؟

اگر آدم صبور باشد و تلاشش را ادامه دهد، به نتیجه ای که می خواهد می رسد. خودم هم برای رسیدن به طلا چند بار نقره و برنز گرفتم، اما چون صبر و پشتکار داشتم، به چیزی که می خواستم رسیدم.

● خانواده چه نقشی در موفقیت داشته اند؟

خیلی زیاد. خانواده ام همیشه کنارم بوده اند، تشویقم کرده اند و در همه مراحل پشتیبانم بوده اند.

● برای مدیریت درس و ورزش چه می کنی؟

سعی می کنم برنامه ریزی داشته باشم تا اول به درسم برسم و بعد تمرین های ورزشم را با نظم پیش ببرم تا بدنم آماده باشد.

● هدف ت در ورزش چیست؟

دوست دارم مدال های بیشتری کسب کنم و در مسابقات بزرگ تر و بین المللی حاضر شوم و برای کشورم افتخار آفرینی کنم.

● چه چیزی باعث می شود با انگیزه تمرین کنی؟

هدف هایی که برای خودم دارم و خوش حالی خانواده ام بزرگ ترین دلیل انگیزه من برای ورزش کردن هستند.

● اگر بخواهی از کسانی که در موفقیت نقش داشته اند تشکر کنی، چه می گویی؟

اول از خدا تشکر می کنم، بعد از خانواده عزیزم که همیشه کنارم بوده اند و از مربی خویم، خانم مینا نجفی توکل که همیشه با انگیزه هایی که به من دادند، باعث شدند با امید بیشتری ادامه دهم.

توانسته ام سیزده مدال بگیرم؛ هفت مدال طلا، چهار نقره و دو برنز.

● ارزشمندترین مدالت کدام است؟

کسب طلای کیوکوشین کاراته شهرستان و طلای استان در سال گذشته را بیشتر دوست دارم.

● وقتی روی سکوی قهرمانی می ایستی، چه حسی داری؟

احساس غرور و خوش حالی دارم و به این فکر می کنم که چقدر خوب شد توانستم نتیجه زحماتم را بگیرم. این انگیزه ای است که می توانم باز هم ادامه دهم.



● چگونه به ورزش های رزمی علاقه مند شدی؟

کلا ورزش را دوست دارم و در همان ابتدا به سمت ورزش های رزمی کشیده شدم. فکر کنم توانمندی بدنی ام روی انتخابم اثر داشته است.

● چرا کیوکوشین کاراته را انتخاب کردی؟

چون این ورزش به من اعتماد به نفس، نظم و قدرت می دهد و احساس می کنم می توانم در این رشته ورزشی هر روز بهتر از دیروز باشم.

● این علاقه تو را به چه موفقیت هایی رسانده است؟

از میانه های سال دوم بود که فرصت حضور در مسابقات مختلف را به دست آوردم و تا حالا



دبستان پسرانه دولتی فطرت که در سال ۱۳۷۷ تأسیس شده، قدیمی‌ترین مدرسه محدوده متصل شهری منطقه ۱۲ است. این مدرسه با ظرفیت سیصد دانش‌آموز جزو مدارس بزرگ منطقه ماست.



مسجد امام خمینی^(۵) که به عنوان یکی از دو مسجد محله جاهدشهر در انتهای این مسیر واقع شده است، در اواخر دهه ۷۰ ساخته شد. جهادگران این مسجد را ساختند و به واسطه ارادت بسیار به محضر امام خمینی^(۵)، این نام را برای مسجد انتخاب کردند.



نماد هویت جاهدشهر

حسین برادران فرا «بوستان ۱۶» جزو معابری است که در دهه ۷۰ به همت جهادگران در منطقه ۱۲ شکل گرفت. این معبر فرعی در محله جاهدشهر واقع شده و در سال‌های اخیر تغییر چهره چندانی نداشته است. به واسطه وجود چند نماد هویتی و فعالیت برخی کسبه قدیمی در این معبر، کوچه بوستان ۱۶ بخشی از هویت محله جاهدشهر نیز به حساب می‌آید.

کوچه بوستان ۱۶
محله جاهدشهر



غلامرضا میرغلامی، متولد سال ۱۳۳۵، از ساکنان قدیمی این کوچه است. او می‌گوید: وقتی نیروهای جهاد سازندگی در این کوچه ساکن شدند، با همان روحیه جهادی خود، آبادی را به این مسیر آوردند. یادم هست که برای انجام خیلی از کارهای محله باهم پول می‌گذاشتیم و پیگیری می‌کردیم.

مؤسسه پیروان محبان‌الائمه^(ع) که در این مسیر واقع شده است، عمری دوازده ساله دارد. این مجموعه بامدیریت حاج علی مروی مرکز بسیاری از امور خیریه جاهدشهر شده و سبب شده است دست‌گیری‌های زیادی از نیازمندان محله صورت گیرد.



احداث مجموعه ورزشی نیایش در کوچه بوستان ۱۶ سبب جذب استعدادهای ورزشی محله شده است. ورزشکاران رشته‌های تویی در این مجموعه بیست ساله، برای نشان دادن توانمندی ورزشی خود فرصت مناسبی دارند.